

# حکمرانی سیل

پدیده‌ای که هر سال بلای جان می‌شود  
اما برای مقابله با آن کسی اعتباری در نظر نمی‌گیرد

آنچه در این پرونده می‌آید نشان می‌دهد که سیل در حکمرانی جدی نیست، اگر هم جدی باشد نگاهی جزیره‌ای است که بیش از آنکه مفید باشد آسیب‌زننده است. این موضوع را بر زمین ماندن «درس‌آموخته‌های سیل ۹۸ زمین» به خوبی نشان می‌دهد. وقتی سیل ۹۸ مملکت را از گلستان در شمال تا لرستان و خوزستان در غرب و جنوب در نوردید، «حسن روحانی» رئیس‌جمهوری به ۷۰۰ متخصص مأموریت داد تا چرایی افزایش خسارت سیل را پیدا کنند. ۷۰۰ نفر کار را انجام دادند اما نتیجه به بایگانی رفت؛ آن هم در کشوری که سیل و خشکسالی دو روی سکه آن هستند. مسأله سیلی که باید بیاید و می‌آید نیست، مسأله تداخل‌های انسانی که سرراه سیل ماندند تا هر سال طبیعت خسارت دست‌اندازی به طبیعت را از همه بگیرد. جدی نبودن مسأله سیل برای مسئولان را می‌توان در اعتباری که در چندین دهه گذشته به آبخیزداری اختصاص یافته است، دید؛ اعتباری که هر سال در ردیف بودجه می‌آید اما اختصاص نمی‌یابد. بودجه‌ای که در برنامه توسعه هم تکلیف می‌شود اما پرداخت نمی‌شود. این مسأله را می‌توان در «نقشه خطرپذیری سیل» دید و آن را با «نقشه وضعیت سلامت حوضه‌های آبخیزداری» سازمان منابع طبیعی که در همین پرونده چاپ می‌شود، مقایسه کرد. دو نقشه‌ای که خبر هولناکی دارند که تخریب خیلی جلوتر از عملیات مدیریت سیل است. کارشناسان هنوز میان کنترل سیلاب و مدیریت آن مانده‌اند. اما سیل شکل دیگر و چهره وهم‌ناک دیگری از خودش نشان می‌دهد. تعداد وقوع جریان‌های واریزه‌ای و جریان‌های گلی افزایش می‌یابد. جریان‌های واریزه‌ای و گلی را «تغییر اقلیم» با باران‌های کوتاه و تند رقم می‌زند، خسارت را هم تداخل انسانی و مدیریتی بر کرده کشور می‌گذارد. جریانی که یکبار تابستان ۱۳۶۶ در



زهرا کشوری  
دبیر گروه زیست‌بوم

تهران آمد و جان ۳۰۰ نفر را در تخریب گرفت. حالا اما فاصله وقوع این جریان‌های واریزه کم شده است. «جریان گلی» سال ۱۳۹۸ پلدختر و بسیاری از روستاهای لرستان را زیر خرواری از خاک دفن کرد. بعد خاک مثل سیمان سفت شد و هیچ دریلی در آن کارگر نشد. بعد هم به شکل واریزه‌ای آمد و بخشی از جاده سوادکوه را برد. با وجود این، اسم این دو جریان را کمتر از زبان مسئولان می‌شنوی. آنها به همه آنچه می‌آید سیل می‌گویند. در دشتیاری منطقه بلوچستان در سیستان و بلوچستان هم در هر سیل حجم زیادی از آب شیرین روانه دریا می‌شود؛ در حالی که میلیاردها تومان اعتبار صرف «شیرین‌سازی» آب شور دریا در همین منطقه می‌شود. آنچه در بلوچستان اتفاق می‌افتد شکل دیگری از زمین‌شناسی را دارد که باز هم کمتر نامش شنیده شده است؛ گرگورها و آب‌کنده‌ها. مسأله دیگری هم وجود دارد که به آن اصلاً توجه نمی‌شود؛ زمین لغزش‌ها که با فرونشست زمین فرق دارد و کارشناسان از آن به «بهمن سنگی» یاد می‌کنند که در دهه ۷۰ یک روستا را با بیش از ۵۰ سکنه آن فروخورد و هیچ نشانی از آنها روی زمین نگذاشت. آمارها نشان می‌دهد ۸ استان را «بهمن سنگی» تهدید می‌کند که البته جایی در برنامه‌ریزی‌ها ندارند. حرکت بهمین سنگی و افزایش خسارت آن هم ناشی از تداخل انسانی است. همه آنچه را در این یادداشت کوتاه نوشته شد سازمانی به نام منابع طبیعی و آبخیزداری باید حل کند که اعتبار آن کمتر از ساخت یک سد است. باشد که این پرونده توجه مسئولان را به آن اتفاقی که می‌تواند به مهاجرت‌های اقلیمی بزرگ منجر شود جلب کند تا به تصمیمی برای «بقای سرزمین» بینجامد. راه دومی وجود ندارد. آمارهای رئیس سازمان منابع طبیعی کشور می‌گوید که ۴۵۰ شهر و ۸ هزار روستا در معرض سیل هستند. ▶

